

تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام

* مؤلف: جواد هروی

* ناشر: امیرکبیر

* سال نشر: ۱۳۸۰

* نوبت چاپ: اول

* محل نشر: تهران

دوره حکمروایی سلسله سامانی بر بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های شرقی ایران، به لحاظ دستاوردهای عظیم علمی، فرهنگی و تمدنی، به‌واقع عصر زرین فرهنگ و تمدن ایران در قرون نخستین اسلامی است که همواره مورد بحث و پژوهش در محافل علمی و دانشگاهی بوده و هست. پیرامون تحولات سیاسی، نظامی، فرهنگی و علمی این دوره آثار فراوانی در قالب کتاب و مقاله به‌صورت مستقل و جداگانه و در ضمن تواریخ عمومی و نیز تاریخ ادبیات و تواریخ محلی فراهم آمده است: برخی متون قدیم و شماری متون جدید. از متون جالب توجه که در دوره‌های معاصر و به‌صورت جداگانه به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، دکتر محمدرضا ناجی

۲. تاریخ تحولات ... ایران در دوره سامانیان، دکتر ابوالقاسم فروزانی

۳. سامانیان، دوره شکوفایی فرهنگی ایرانی - اسلامی، دکتر محمدرضا ناجی یکی از همین آثار، کتاب *تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام*، نوشته دکتر جواد هروی است که در سال ۱۳۸۰ در تهران چاپ و منتشر شده است. این اثر، همان‌گونه که از عنوان آن آشکار است، تاریخ سامانیان را به‌صورت عام و جبهه همت خویش قرار داده و این روزگار را چونان عصر طلایی ایران پس از اسلام قلمداد کرده است. گذشته از اینکه فرمانروایی سامانیان بر سراسر خاک ایران، چندان مقرون به صحت نیست، اصولاً تا روزگار صفویان، که وحدت سیاسی و سرزمینی را به این خطه بازگرداندند، هیچ‌یک از سلسله‌های مستقل و نیمه‌مستقل به معنای واقعی کلمه نتوانستند به این یکپارچگی دست یابند.

از عنوان کتاب چنین بر می‌آید که در آن، به ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، تمدنی، علمی و ... دوره سامانیان گوشه‌چشمی انداخته شده باشد و اگر نه به

تفصیل که البته در صفحات محدودی در قالب چنین کتابی امکان‌پذیر نیست، لااقل به صورت خلاصه و اجمال، همه عناوین مربوط به گونه‌ای در آن مطرح شده باشد. درحالی که به نظر می‌رسد این انتظار چندان به جا نیست؛ بلکه باید به صراحت گفت عنوان فراتر از محتوا است و همه موضوعات مربوطه را دربر نمی‌گیرد و بسیاری از مباحث به لحاظ گستردگی مطالب و دستاوردهای شگرف علمی، ادبی، فرهنگی و تمدنی در آن بحث و بررسی نشده است.

اصولا برخلاف انتظار و توقع خواننده، نویسنده به بررسی مستقل و مبسوط اوضاع دینی، اجتماعی، سیاسی، اداری، معماری و هنر و جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و تمدنی این روزگار را به طور مستقل و مبسوط بررسی نکرده و صرفا به تحولات سیاسی و نظامی عصر سامانی قناعت کرده است. البته همین جنبه کافی بود تا کتاب آقای هروی را مقبول طبع مخاطب قرار ندهد؛ چه، آنچه می‌تواند جلوه و درخشش و «طلایی بودن» عصر سامانیان را نشان دهد، دستاوردهای عظیم علمی و فرهنگی و تمدنی است که در این کتاب درباره آنها بحث نشده است.

از این رو، بهتر آن بود که چنین عنوان گسترده‌ای برای این کتاب برگزیده نمی‌شد. شاید عنوان «مقدمه‌ای بر فرهنگ و تمدن در عصر سامانیان» می‌توانست مسئولیت مؤلف را در اقناع مخاطب برآورده سازد و بار چنین تعهد و انتظاری را از دوش او بردارد.

الف - نقاط قوت:

۱. صحافی، حروف‌نگاری و کیفیت مطلوب چاپ؛

۲. تناسب حجم اثر برای تدریس؛

۳. نظم منطقی و انسجام مطالب؛

۴. کفایت منابع و اعتبار علمی آن؛

۵. تناسب موضوعی و محتوایی اثر با اهداف درس.

ب - نقاط ضعف:

۱. ضعف نمایان و عدم دقت کافی در استنادها و ارجاع‌ها: برای مثال، در بعضی جاها استنباط‌های نادرست شده است. در ص ۱۱۲، برای اثبات اینکه نام خلیفه در برخی سکه‌های سامانی نیامده، به کتاب سکه‌های شاهان اسلامی ایران (ص ۴-۲) ارجاع داده شده، درحالی که در این صفحات، به جای نام خلیفه، نقطه‌چین آمده که احتمالا ناخوانا بوده

یا محو شده است. در ص ۲۲۵ (پاورقی ۱)، به تجارب الامم ارجاع داده شده، اما مطلبی از شورش محمد بن هرمز در آنجا نیامده است. در ص ۳۸۱ (سطرها ۹-۸)، پدر ابوالحسن سیمجور، ابواسحاق ابراهیم بن محمد است نه ابوعلی سیمجور (نک: سمعانی ۷/۳۵۱)، مؤلف در صفحات متعدد (مثلاً: ۳۸۱ و ۳۹۵، ۴۴۲) سیمجوریان را خاندانی ترک دانسته است، اما در منابع قدیم، مدرکی دال بر این نکته وجود ندارد. در ص ۳۹۱، قدیم‌ترین کتاب فارسی/لابنیه ... دانسته شده، که در زمان سامانیان تألیف شده است، در حالی که لابنیه... قدیمی‌ترین کتاب خطی فارسی موجود است که در زمان سامانیان تألیف شده است، (نک: قزوینی، بیست مقاله، ۱/۶۵ - ۶۷). در ص ۴۰۱، س ۱۰: «این صلح که برای مدت سه سال برقرار ماند» «سه سال» درست نیست، بلکه «سی سال» درست است.

در صفحات متعدد (مثلاً: ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۷ و ۴۴۹)، «عبدالله بن عزیز» آمده که درست آن «عبدالله بن عَزِیر» است. مؤلف در ص ۴۴۹ ابوالمفضل برغشی را آخرین وزیر عهد سامانی دانسته، اما در ص ۴۵۹ - ۴۵۸ از سه وزیر دیگر یاد کرده و ابوالفضل خنماتی را آخرین وزیر این سلسله دانسته است!

۲- اغلاط فراوان حروف نگاری: مثلاً: «فرستاد شد» (ص ۱۷۰، وسط صفحه): «درآورد» به جای «درآمد» (ص ۲۲۳، سطر آخر)؛ «عدلت» به جای «معدلت» (ص ۱۶۴، سطر ۱)؛ «می بینم» به جای «می بینیم» (ص ۲۲۶، بند آخر)؛ «استمرار» به جای «استمداد» (ص ۳۵۴)؛ «شهری» به جای «شهری» (ص ۳۷۰)؛ «شهریار کوه» به جای «شهریار کوه» (ص ۲۷۹).

۳- ضعف نمایان در قواعد ویرایشی و نگارشی: کتاب از این لحاظ احتیاج به ویرایش کلی دارد. برای مثال: ص ۱۱۷: صرف سکه کرده‌اند؛ ص ۱۱۹، س ۳: [در] آغازی سال‌های ...؛ اشکالات ویرایشی متعدد در صفحات ۲۳۱ - ۲۳۰؛ سر به طغیان بر ضد امیر اسماعیل زد (ص ۱۷۰)؛ درباره قضاوت در بخارا او، ... (ص ۲۲۲، سطر ۴-۵)؛ حذف فعل بی‌قرینه که فراوان دیده می‌شود، مثلاً: ... سپهسالاری که به نام خود خطبه و سکه می‌زد (ص ۴۴۲، سطر آخر).

۴- نبود مباحث مبسوط و مستقل درباره اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی، اداری و معماری و هنر: اصولاً درباره دستاوردهای عظیم علمی و فرهنگی و تمدنی که می‌تواند جلوه و درخشش و «طلایی‌بودن» این روزگار را نشان دهد، توضیح

داده نشده است. بنابراین، عنوان از محتوا اعم است.

۵- بهره‌گیری از ترجمه متون قدیم که می‌تواند از اعتبار تحقیق بکاهد: همچنین، به پاره‌ای تألیفات و مقالات جدید ارجاع شده است که حاوی نکته‌ تازه‌ای نیست.

